

واکاوی عناصر اجتماعی پوشش سنتی زنان هرمزگانی با رویکرد مردم نگارانه

سعیده دبیری نژاد*

ياسر رستگار**

سید رضا هاشمی زاده***

حسن گل بخشی****

چکیده

پوشاک در هر جامعه علاوه بر آنکه محافظ بدن و حجاب تلقی می شود و می توان با آن به ابعاد گوناگون فرهنگی یک جامعه پی برد، معانی و دلالت های فرهنگی و اجتماعی و... فراوانی را نیز در بردارد. زنان هرمزگانی در گستره تاریخ این اقلیم، همیشه صاحب اثر و نقش آفرین بوده اند و این اثرگذاری را در حوزه های اقتصادی و اجتماعی به شکل های مختلف نشان داده اند. هدف این پژوهش واکاوی و تحلیل ابعاد اجتماعی پوشاک سنتی در بین زنان هرمزگانی و پاسخ به این پرسش است که چه معانی و تفسیرهایی را با بررسی لباس سنتی زنان این دیار می توان یافت. با توجه به هدف اصلی پژوهش، از روش مردم نگاری و از تکنیک مصاحبه عمیق و تحلیل تماتیکی برای تحلیل اطلاعات بدست آمده استفاده شد. مهم ترین نتایج این پژوهش عبارتند از؛ سطح طبقاتی افراد در استفاده از نوع پوشش سنتی بسیار تأثیرگذار است، لباس سنتی زنان هرمزگانی با

* کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس saeideh.dabiri@yahoo.com

** دکترای جامعه شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه هرمزگان yaser_rastegar@gmail.com

*** دکترای علوم ارتباطات، پژوهشگر و مدرس دانشگاه s.reza.hashemi.z@gmail.com

**** کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، پژوهشگر حوزه های اجتماعی و رسانه ای

Hasan.kalboxshi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰



رنگ‌های شاد و رنگارنگ و طرح‌های متنوع و چشم‌نواز و فرم لباس‌ها و شلوارها به نحوی است که کاملاً با فرم بدن فرد همسان است اما به زعم مصاحبه‌شوندگان، برای پوشیدن مدت زمان طولانی مناسب نیست. همچنین پوشش سنتی زنان اکنون بیشتر در مراسم عروسی جلوه‌نمایی می‌کند که نوعی احترام به خانواده عروس را نشان می‌دهد و باعث شادی افزایشی و منزلت عروس و خانواده‌اش نیز می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: مردم‌نگاری، پوشش سنتی زنان هرمزگان، فرهنگ هرمزگانی

مقدمه

ادوارد برانت تایلر^۱ در تعریف فرهنگ آورده است: فرهنگ مجموعه‌ای پیچیده‌ای از معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، اخلاق، قوانین و بالاخره تمام عادات، رفتار و ضوابطی است که انسان به عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعه خود فرامی‌گیرد (پوربهمن، ۱۳۹۰: ۲۴). پوشاک یکی از مهم‌ترین نمادها و پدیده‌های یک جامعه یا قوم محسوب می‌شود که دارای اهمیت به‌سزایی است. فرهنگ هرمزگان دارای تنوع و جذابیت‌های فرهنگی خاص خود است که در قالب نمودهای ملموس همچون پوشاک، موسیقی، گویش، صنایع دستی و... جلوه یافته است و برای شناخت این فرهنگ باید این نمودهای فرهنگی را مورد مطالعه قرار داده و شناخت. پوشاک معانی و دلالت‌های فرهنگی و اجتماعی فراوانی را تداعی می‌کند و نه تنها به عنوان محافظت از بدن و حجاب، بلکه در حکم نمادی از جغرافیا، فرهنگ و سنت‌ها و آداب و... شناخته می‌شود. پوشاک در ارزش‌ها و باورهای یک منطقه جایگاه ویژه‌ای دارد. همچنین می‌توان آن را از منظر زیبایی‌شناختی و طرح و رنگ نقوش نیز بررسی کرد. پژوهشگران و محققین، پیام‌ها و راز و رمزهای موجود در انواع پوشاک در ملل گوناگون را مورد بررسی قرار می‌دهند. این پیام‌ها برخاسته از آداب و سنن و خاستگاه قومی هر ملت و نشانی از فرهنگ اجتماعی آنهاست. پوشاک هرمزگان هم دارای راز آمیزی‌ها و ویژگی‌های فرهنگی منحصر به فرد است، نماینده فرهنگ

^۱ Edward Burnett Tylor



هرمزگان بوده و هست، برای شناخت بهتر و پی بردن به ابعاد گوناگون فرهنگی اجتماعی پوشاک هرمزگان باید در وهله اول، هرمزگان و ویژگی‌های فرهنگی آن را شناخت. هرمزگان به دلیل قرار گرفتن در مسیر تجاری و بازرگانی، در کنار تعاملات اقتصادی همیشه در حال دادوستد فرهنگی بین فرهنگ بومی خود با سایر فرهنگ‌ها بوده است، بسیاری از نشانه‌ها و دلالت‌های به وجود آمده نتیجه تعاملات بینا فرهنگی بین فرهنگ‌ها با هرمزگان با فرهنگ‌های دیگر است. بسیاری از عوامل طبیعی اجتماعی منطقه به خصوص دریا، گرما، منطقه مرزی بودن، بر پوشاک سنتی هرمزگان تاثیر گذاشته است. جلوه‌های فرهنگی یک جامعه را نمی‌توان بر اساس معیار و ضابطه ارزیابی کرد. در زمینه‌های فرهنگ مادی اگر یک پدیده، جدا از مجموعه به‌هم پیوسته مسائل اجتماعی در نظر گرفته شود امکان ارزیابی و سنجش آن وجود دارد (میشل، ۱۳۸۲: ۵۵).

همان‌طور که تمام جنبه‌های فرهنگی اجتماعی دارای کارکردهای متفاوتی هستند بسیاری از آیین‌ها، مناسبت‌ها و پدیده‌های فرهنگی هم دارای کارکرد هستند. پوشاک سنتی بارزترین آن هست، که در عین کارکردهای آشکاری که از خود نشان می‌دهند همیشه کارکردهای پنهانی نیز داشته‌است. پوشاک سنتی هرمزگان از این قاعده مستثنا نیست. در زمینه کارکردهای آشکار و پنهان پوشاک سنتی می‌توان از نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی^۱ بهره گرفت. مالینوفسکی در این نظریه می‌گوید کارکردهای آشکار با قصد قبلی صورت می‌گیرد در حالی که کارکردهای پنهان بدون قصد قبلی انجام می‌گیرند. (غیبی، ۱۳۸۷).

زنان هرمزگانی در گستره تاریخ این اقلیم، همیشه صاحب اثر و نقش آفرین بوده‌اند که در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی این نقش آفرینی و اثرگذاری را به شکلی ویژه و بدیع نشان داده‌اند؛ پوشش زنان هرمزگانی به جایگاه و اثرگذاری آنها افزوده است. لباسی منقش با طرح‌های زیبا که برگرفته از جغرافیای طبیعی و انسانی هرمزگان است و در کنار رنگ‌های متنوع و شاد، نشان دهنده شادی بخشی و نشاط آفرینی زنان در جامعه خود می‌باشد. آنچه در این مقاله مورد توجه و بررسی قرار گرفته است، واکاوی و تحلیل ابعاد فرهنگی پوشاک سنتی هرمزگان است و

^۱ Bronislaw Malinowski



اینکه چه معانی و تفسیرهایی مرتبط با لباس سنتی زنان این منطقه را می‌توان کشف و شناسایی نمود؟

پرسش‌های پژوهش

- ۱- زنان استان هرمزگان، چه تفسیر و معنایی از پوشاک سنتی خود دارند؟
- ۲- چگونه پایگاه و طبقه اجتماعی در پوشاک سنتی هرمزگان خودنمایی می‌کند؟
- ۳- کارکردهای اجتماعی پوشاک سنتی زنان استان هرمزگان چیست؟

پیشینه پژوهش

باستانی (۱۳۹۱) بادل به پوشان (تن پوش زنان و مردان استان هرمزگان)؛ در این کتاب تقریباً تمام پوشش زنان و مردان هرمزگان جمع‌آوری شده است و با عکس‌های رنگی به نمایش گذاشته شده است. یکی از مزیت‌های خوب این کتاب این است که هر منطقه و شهر استان هرمزگان به‌طور جداگانه در مورد پوشاک آن، هم زنان و هم مردان، توضیح در مورد نام لباس، رنگ‌بندی و زیورآلات استفاده شده مطرح و رنگ لباس‌ها آمده است و خود لباس به نمایش گذاشته شده است؛ اما این کتاب، باز هم فقط پوشش هرمزگان را معرفی کرده است و در مورد کارکردهای مختلف این نوع پوشش، تغییرات به وجود آمده و استفاده در آیین‌های مختلف سخنی به میان نیاورده است.

خطیبی زاده (۱۳۸۹) کتاب پوشش مردم هرمزگان؛ این کتاب که در ۱۰۹ صفحه به چاپ رسیده معرفی مختصر و کوتاهی از پوشش زنان بندرعباس دارد که به صورت خیلی مختصر در مورد لچک، جلیبد، برقع، پیراهن، چرخ سینگر شلوار زنان هرمزگان، کفش، چادر، زیورآلات، لوازم تزئین لباس مردم هرمزگان به نگارش درآمده است و بسیار کوتاه و خلاصه و اجمالی در زمینه پوشاک سخن گفته شده است.

سپهر و شهدادیان (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان بررسی پوشاک زنان میناب از منظر مردم‌شناختی پوشاک زنان میناب بر اساس نظریه کارکردگرایی به معرفی و تحلیل پوشاک زنان شهر میناب (در



استان هرمزگان) پرداخته است. وی در پژوهش خود آورده است یک پدیده فرهنگی تا هنگامی به حیات خود ادامه می‌دهد که کارکرد داشته باشد و با مقایسه لباس دختران و افراد سالخورده به این نتیجه رسیده که لباس سنتی دیگر مورد توجه جوانان نیست و لباس های غربی جایگزین آن شده است.

میرحسینی (۱۳۹۴) در کتاب برقع هنر اقلیم و هویت بومی برقع (نوعی روبنده زنان هرمزگان) برقع را به عنوان یک پدیده فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهد. اطلاعات گردآوری شده کتاب به صورت میدانی، انجام شده است. محقق بیان داشته است که عناصر بصری برقع های استان هرمزگان از اقلیم و شرایط فرهنگی جنوب متأثر است. این کتاب شامل پنج فصل است در فصل اول نگاهی به تاریخچه برقع در جهان، ایران و هرمزگان دارد. فصل دوم، از نظر جغرافیای برقع بررسی شده است. فصل سوم دوخت برقع و ابزار ساخت آن آورده شده است. فصل چهارم فرهنگ استفاده از برقع، در مناطق مختلف بررسی شده است فصل پنجم نیز به تحلیل ساختار برقع های هرمزگان از دیدگاه زیبایی شناسی هنری اختصاص یافته است.

مختاری، دهکردی. راضیه (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان بررسی رودوزی های پوشاک سنتی زنان شهرستان میناب با تأکید بر هنر شک بافی با روش توصیفی - تحلیلی آمیزه ای از تحلیل محتوای کمی و کیفی را برای جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و میدانی استفاده کرده است. پژوهشگر، ابتدا انواع رودوزی در ایران را بررسی کرده است و سپس گلابتون دوزی و انواع رودوزی از جمله: خوس دوزی، دوزی، و... که در شهرستان میناب مورد استفاده قرار می‌گیرد همراه با عکس و توضیحات را ارائه نموده است. همچنین انواع پوشش لباس، برقع، شال و... همراه با رودوزی های آن و نقوش به کاررفته، نام نقوش، نقش مایه ها به طور کامل طبقه بندی شده همراه با جدول در این مقاله عنوان شده است. پژوهشگر عنوان کرده در این زمینه مطالعه ای به صورت علمی و جدی صورت نگرفته است و بسیاری از نقوش که در گذشته استفاده می‌شده در حال فراموشی می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش



مفهوم لغوی پوشش

وقتی سخن از پوشش به میان می‌آید، اولین چیزی که در ذهن هر فرد نقش می‌بندد، واژه لباس است. پوشش چیزی است که چیز دیگری را بپوشاند. از این رو، پوشش را به مخفی کردن و پنهان ساختن نیز معنا کرده‌اند. بر این اساس، می‌توان گفت گستره پوشش به گستردگی عالم خلقت است و دامنه آن از عالم ماده هم فراتر می‌رود، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد هر چیزی در عالم وجود دارد، پوششی برای خود دارد.

در ادبیات عرب پوشش را ستر، و غطاء و لباس می‌گویند. همچنین از واژه حجاب به عنوان پرده پوشش یاد کرده‌اند. این پوشش غالباً برای زنان است و به ایشان اجازه می‌دهد تا از پشت آن، جهان خارج را بنگرند. خمار و جلباب نیز دو واژه دیگر است که در ادبیات عرب در این زمینه به کار رفته است. (فروزنده، ۱۳۸۶: ۱۴).

نگاهی تاریخی به پوشش زنان در ایران

پوشاک ایرانیان، درحالی که ادامه لباس بابلان و آشوریان بود، خود اشکالی گوناگون و قابل توجه داشت. این پوشاک به نام «کندیس» که از پشم کتان و ابریشم تهیه می‌شد لباسی بود با آستین‌های گشاد که به صورت پيله‌هایی منظم در پشت بازو قرار می‌گرفت. دامن این لباس در جلوشکم یا در پهلوها چین می‌خورد. در زیر این لباس، پیراهن و شلوار زیر و جوراب می‌پوشیدند. این برای نخستین بار در تاریخ است که لباس زیر، آن هم در نوع دوخته شده آن مطرح گردیده است. بعدها کندیس جای خود را به کتی داد که روی شلوار پوشیده می‌شد و به طور یقین منشاکت و شلوار استاندارد امروزی مردان است. ایرانیان کفش را از چرم نرم به رنگ زرد و به شکل پا می‌ساختند که تا مچ پا را می‌پوشاند و به وسیله دکمه و تسمه‌هایی که روی آن نصب شده بود، بسته می‌شد. جواهرات مورد استفاده ایرانیان بسیار هنرمندانه و زیبا، از طلای وزین مروارید نشان همراه با میناکاری و سنگ‌های کمیاب ساخته می‌شد. سنگ تا به شکل سر انسان تراش داده می‌شد. (پوربهن، ۱۳۹۰).



از زنان ایران باستان، شمار اندکی تندیس به جای مانده است؛ زیرا زنان در زندگی اجتماعی شرکت چندان نداشتند. نقش برجسته‌ای که از سده پنجم پیش از میلاد در دست است، یک ملکه را در پیراهن و شلواری کامل نشان می‌دهد و احتمالاً لباس زنان دوران‌های بعد نیز چنین بوده است. (پانوف، ترجمه عسکری خانقاه، ۱۳۸۲).

از زمان پیدایش انسان در هزاره‌ی پنجم (پیش از میلاد) به بعد آثاری از معیشت وی در جای جای فلات قابل ردیابی است، از جمله تپه گیان در نهاوند و سیلک در کاشان، چشمه علی در منطقه ری و تپه حصار در دامغان ردپای انسان را در حوزه‌ی ولایات ماد نشان می‌دهد. اطلاعات دقیق درباره‌ی پوشاک زنان در دوره‌ی بابلیان و آشوریان در دست نیست، چرا که زندگی زنان در آنزوا می‌گذشت. (غیبی، ۱۳۸۷) همچنین محدودیت آثار به جا مانده از لباس زنان دوره‌ی ساسانیان در قیاس با لباس مردان، تحقیق در این خصوص را با مشکل مواجه ساخته است. (رحیمی، ۱۳۸۵). در فرهنگ پوششی ایل نشینان نه فقط زنان به حفظ حجاب و پوشیدن لباس‌های بلند ملزم هستند، بلکه مردان نیز البسه گشاد و ساتر به تن می‌کنند و حتی بی‌کلاهی را نیز که خود کنایه از سربستگی و پیوستگی و در پرده بودن است، برای مردان عیب و عار می‌شمارند. (الهی، ۱۳۸۹).

پوشش و فرهنگ

هر چیزی که کل بدن یا بخشی از آن را بپوشاند و یا زینت کند پوشاک نام دارد. انسان در آغاز آفرینش، نیازی به پوشش تن و سر نداشته است زیرا بدنش پوشیده از مو بوده ولی در نتیجه تکامل و کم شدن موهای روی پوست بدن که به لحاظ تأثیر اوضاع طبیعی رخ داده بود احساس نیاز به پوشاندن تن و سر برای دفاع از خود در مقابل گرما و سرما و سایر عوامل طبیعی در اوقات گرفت. (غیبی، ۱۳۸۷: ۱۷). پوشاک هر ملتی بخشی از فرهنگ و تمدن آن ملت محسوب می‌شود و علل گوناگونی مانند موقعیت جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، دین و مذهب، وضعیت اقتصادی، سیاسی و... پوشاک هر قومی را مشخص می‌کنند. پوشاک مبین تحولات یک جامعه و در عین حال بیانگر تفاوت‌هایی است که میان اقشار آن جامعه وجود دارد (همان).



ایران به واسطه موقعیت جغرافیایی خود همواره در میان کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک جایگاه خاصی داشته و دارد. کشور کهنسال ما از آغاز در کشمکش با کشورهای جهان بوده است. از این رو بسیاری از مظاهر فرهنگی و تمدنی ایران و سایر کشورهای جهان در تعامل بوده اند. (غیبی، ۱۳۸۷: ۱۵). پوشاک به عنوان یکی از مظاهر فرهنگ و تمدن تغییرات بسیاری به خود دیده است. ایرانیان از دیر باز دارای فرهنگی عظیم و تمدنی بسیار غنی بوده اند. از این رو بررسی در زمینه پوشاک ایرانیان پژوهشی است بزرگ که نیاز به وقت و سرمایه فراوان دارد؛ به همین دلیل بیشتر پژوهشگرانی که در این زمینه به تحقیق و بررسی پرداخته اند یک بازه زمانی خاص را برای پژوهش خود انتخاب کرده اند. (میرحسینی، ۱۳۹۴).

بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت ها و آیین های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است، هر چند این پدیده در طول تاریخ، فراز و نشیب های زیادی طی کرده است و گاهی تشدید یا تخفیف یافته، ولی هیچگاه به طور کامل از بین نرفته است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی که زنانشان دارای پوشش مناسب نبوده اند یاد می کنند. دانشمندان، تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ماقبل تاریخ و عصر حجر نسبت می دهند و بررسی آثار و نقوش به دست آمده از دوران باستان نشان می دهد که پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می شود.

فرهنگ تاریخی ایران نیز از دو جهت در این زمینه برجسته است. از یک سو عمق تاریخی این فرهنگ، از پویایی و غنای قابل توجه آن خبر می دهد و از سوی دیگر درهم آمیختگی آن با مذهب (چه در دوران باستان با مذهب زرتشت و چه پس از ورود اسلام در پیوند با فرهنگ اسلامی) زمینه های معنوی پرورش هنجارهای اجتماعی متنوع را به نمایش می گذارد. در این میان در مورد پوشش زنان ایران باستان، مطالب زیادی در تاریخ وجود دارد. ویل دورانت درباره پوشش زنان ایران باستان و اینکه حجاب بسیار سختی در بین آنان رایج بوده است، می گوید: «زنان طبقات بالای اجتماع جرات آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند. هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردان آمیزش (اختلاط) کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را، اگر چه پدر یا برادرشان باشد، ببینند». (جلیلیان و فاظمی، ۱۳۹۰).



چارچوب نظری پژوهش

علم انسان‌شناسی از این قاعده مستثنی نیست که یک موضوع را می‌توان با توجه به دیدگاه‌های مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار داد. «انسان‌شناسی مانند هر علم اجتماعی دیگر موضوعات را از زوایا و دیدگاه‌های متفاوت مطالعه می‌کند. پاره‌ای از این دیدگاه‌ها بیشتر پایه علمی دارند یعنی به دستاوردهای علوم مختلف تکیه می‌کنند و به یاری این علوم و با مدد گرفتن از روش‌ها و فن‌های آن‌ها در شناسایی مسایل مربوط به انسان‌شناسی کوشش می‌کند» (پانوف، ترجمه عسکری خانقاه، ۱۳۸۲).

نظریه‌های مختلف درزمین علم مردم‌شناسی برای شناخت عمیق و کامل و همه‌جانبه در رابطه با موضوع مورد پژوهش وجود دارد. «نظریه‌های مردم‌شناختی برای استفاده از روش‌هایی است که به آسانی و دقت و به طور همه‌جانبه بتواند در شناخت زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیر تکامل فرهنگ و تمدن جوامع راهنما باشد» (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۸۴).

نظریه‌های مردم‌شناسی برای استفاده از روش‌هایی است که به آسانی و با دقت و بطور همه‌جانبه بتواند در شناخت زندگی اجتماعی و فرهنگی و سیر تکاملی فرهنگ و تمدن جوامع راهنما باشد. (غیبی، ۱۳۸۷: ۸۲).

نظریات مردم‌شناسی غالباً بر پایه پاسخگویی به سوالهایی در مورد وقوع رفتار اجتماعی به شکل موجود و علل تمایزات بشری بنا شده‌اند. ارتباط میان نظریاتی که از پیش ارائه شده و اطلاعات جدید با وقایع اجتماعی که در جریان است، دریافت عینی واقعیت را به‌عنوان اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین ویژگی‌های علم نمایان می‌کند. از این رو، در بررسی پدیده‌های فرهنگی و انسانی استفاده از نظریاتی که شالوده علمی دارند، علاوه بر این که زمینه مطالعاتی مورد نظر را جهت‌دار می‌کنند، به روشن شدن بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی پدیده مورد نظر می‌انجامد و بدین ترتیب با شکل گرفتن این پدیده‌های فرهنگی، در چنین قالب علمی، برغنا و استواری هر چه بیشتر پژوهش افوده می‌شود.



نظریه کارکردگرایی

مالینوفسکی در کتاب «نظریه علمی برای فرهنگ» نظریه کارکردگرایی خود را مفصلاً شرح می‌دهد و می‌گوید: هر یک از اجزای فرهنگ یک خاصیت و فایده ای دارد و گرنه وجود نمی‌داشت. و خاصیت آنها این است که به نیازهای فردی و جمعی افراد پاسخ می‌دهند. مثلاً ما به تولید مثل نیاز داریم در نتیجه فرهنگ نظام خویشاوندی را ایجاد می‌کند تا ما بتوانیم تولید مثل کنیم و بقاء پیدا کنیم و به نیاز جنسی خود نیز پاسخ دهیم. ما به غذا احتیاج داریم، پس فرهنگ نظام اقتصادی را ایجاد می‌کند تا ما بتوانیم با مبادلات غذا، نیازهای زیستی خود را تأمین کنیم. منابع را تولید، توزیع و تکثیر کنیم و سیستمی را در بین خود ایجاد کنیم. این فرضیه روش شناختی که بعداً به صورت آیین شبه فلسفی درآمد، عبارت است از بررسی هر واقعه اجتماعی و هر نهاد در روابطش با کل هیئت اجتماعی است که خود جزء آن به شمار می‌رود. در کارکردگرایی یک فرضیه کل گرا و یک اصل موضوعه نفع گرا وجود دارد. از طرفی به شدت مورد انتقاد قرار گرفته و بر این فرض استوار است که کارکرد هر چیزی در یک نظام اجتماعی صریح و دقیق است و این بدان معناست که جای کمی برای پویایی و تغییر فرهنگی باقی می‌ماند» (پانوف، ترجمه عسکری خانقاه، ۱۳۸۲).

کارکردگرایی یکی از نظریاتی بود که در واکنش به تطورگرایی به وجود آمد و طبعاً در برابر روش تاریخی تطورگرایی همزمان بر موضوع را پیشنهاد می‌کرد. از لحاظ تاریخی ریشه‌های کارکردگرایی را می‌توان در نزد سه متفکر بزرگ علوم اجتماعی یافت. اگوست کنت، هربرت اسپنسر، امیل دورکیم؛ اما نظریه پردازان اصلی این گرایش که توانسته آن را به یک ابزار در زمین تحقیق تبدیل کنند، برانیسلاو مالینوفسکی، راد کلیف براون بودند. (گیدنز، ترجمه صبوری، ۱۳۷۶)

نظریه مالینوفسکی بر این نکته استوار است که تمام خصوصیات فرهنگی برای برآوردن احتیاجات افراد در جامعه بوجود آمده‌اند؛ یعنی کارکرد یک خصوصیت فرهنگی، در قدرت آن برای برطرف کردن برخی از نیازهای اولیه‌ی اعضای گروه خلاصه می‌شود. نیازهای اولیه شامل تغذیه، تولید مثل، آسایش، تأمین سلامتی، احساس لذت و خوشی، تحرک و رشد می‌شود که بعضی از عناصر فرهنگ این نیازهای اولیه را رفع می‌کنند، پس از آن، نیازهای ثانویه ای وجود دارند که



باید ارضا شوند؛ برای مثال خصوصیات فرهنگی که نیاز اولیه مربوط به غذا را برطرف می‌سازد به نیازهای ثانویه‌ی آن یعنی نیاز به تعاون در جمع‌آوری غذا یا تولید آن نیز باید توجه کند؛ بنابراین جوامع، برای تضمین این تعاون، اشکال مختلفی از سازمان سیاسی و کنترل سازمان سیاسی و کنترل اجتماعی را رشد می‌دهند.

نظریه کارکردگرایی مالینوفسکی نمی‌تواند به آسانی علتی را برای اختلاف فرهنگی ذکر کند. نیازهایی که این نظریه مشخص می‌کند، کمابیش نیازهای عمومی هستند که باید تمام جوامع برای ادامه‌ی بقا به آن‌ها بپردازند، بنابراین اگر چه ممکن است روش کارکردی قادر باشد که به ما بگوید چرا تمام جوامع مشغول پیدا کردن غذا هستند، اما نمی‌تواند پاسخگوی این سؤال باشد که چرا جوامع مختلف اعمال گوناگونی برای پیدا کردن غذا انجام می‌دهند؟» (پانوف، ترجمه عسکری خانقاه، ۱۳۸۲).

روش پژوهش

با توجه به ماهیت پژوهش و رویکرد کیفی گرا در پرداختن به موضوع پوشش سنتی زنان هرمزگانی، از روش مردم‌نگاری^۱ استفاده شده است. «مردم‌نگاری مطالعه‌ی مردم در یک موقعیت طبیعی، فرصتی را برای محققان فراهم می‌آورد تا مطالعه‌ای با جزئیات از گروهی از مردم را درحالی که در فرهنگ آن گروه غوطه‌ور هستند، را اجرا نمایند» (بریکس، ۲۰۰۶).

مردم‌نگاری، در سنت علم انسان‌شناسی، با کار میدانی و پژوهش دست اول از جوامع انسانی پیوند خورده است. مردم‌نگاری را می‌توان مرحله آغازین یا به عبارتی سنگ بنای انسان‌شناسی دانست؛ در حقیقت، مردم‌نگاری توصیف نوشته‌شده‌ای است از سازمان اجتماعی، فعالیت‌های اجتماعی، منابع مادی و نمادین و تجربیات تفسیری‌ای که گروه خاصی از مردم را مشخص و متمایز می‌کند. غایت مردم‌نگاری، توصیف فرهنگی است، که امروزه این توصیف را از خلال تجربه‌ی میدانی به دست می‌دهند (ایمان، ۱۳۸۸).

^۱ Ethnography



از دیدگاه جان بروئر مردم‌نگاری عبارت است از مطالعه‌ی مردم در شکل طبیعی زندگی‌شان با استفاده از ابزارهای متعدد روشی که معانی اجتماعی و فعالیت‌های عادی (روزمره)؛ پژوهشگر مردم‌نگار این صور زندگی طبیعی مردم را با شیوه مشاهده مشارکتی در میدان پژوهش احصا می‌کند (بروئر، ۲۰۰۰: ۴۱۰ به نقل از رستگار ۱۳۹۳).

مردم‌نگاری، مشاهده در زمین تحقیق^۱، توصیف و تحلیل گروه‌های انسانی است که به قدر کفایت کوچک‌اند و به این علت می‌توانند تماماً توسط تعداد محدودی از پژوهشگران از طریق روش‌های عموماً غیر آماری مطالعه و درک شوند. توصیف و تحلیل گروه‌های انسانی به منظور برپایی جنبه‌های مختلف زندگی هر یک از آن‌هاست که شامل جنبه محیطی، فنی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، مذهبی، خانوادگی و... می‌باشد که تا حد امکان با دقت و صحت و وفاداری انجام گرفته، به صورت یک تک‌نگاری^۲ گزارش می‌شود. به دلایل عملی و نظری، میدان مطالعه مردم‌نگاری زمان درازی به جوامع موسوم به ابتدایی محدود شده بود، اما مردم‌نگاری می‌تواند به گروه‌های انسانی متعلق به جوامع غربی کشیده شود. (استراوس، ترجمه افشار، ۱۳۹۴).

درواقع، هدف تحقیقات میدانی اغلب آن است که مشاهده جهان بر اساس چارچوب مرجع افراد مورد بررسی انجام گیرد. از این‌رو، رویس معتقد است: «ممکن است محققان میدانی به گونه‌ای فعال در زندگی افراد و البته یافتن فرمولی مناسب در مورد نحوه موقعیت‌های مورد مطالعه، شرکت جویند» (ایمان، ۱۳۸۹).

می‌توان گفت مردم‌نگاری توصیف نوشته شده‌ای است از سازمان اجتماعی، فعالیت‌های اجتماعی که عموماً در تقسیم‌بندی درونی علم انسان‌شناسی وظیفه توصیف را به مردم‌نگاری و وظیفه توضیح و مقایسه و طبقه‌بندی مشابهت‌ها و تفاوت‌های رفتار فرهنگی انسان‌ها را به مردم‌شناسی منتسب کرده‌اند؛ به عبارت دیگر غایت مردم‌نگاری، توصیف فرهنگی است، که امروزه این توصیف را از خلال تجربه میدانی به دست می‌دهند (استراوس، ترجمه افشار، ۱۳۹۴).

^۱ Terrain

^۲ Monography



استفاده از روش مردم‌نگاری در این پژوهش طی چند مرحله انجام شد؛ در مرحله اول جمع‌آوری اسامی پوشاک و ابزار و نوارهای مربوط به پوشاک سنتی زنان بندرعباس است. سپس این موارد در پوشاک سنتی زنان استان هرمزگان شناسایی شد. مصاحبه به عنوان یک تکنیک مؤثر برای گردآوری اطلاعات مربوط به پوشاک سنتی زنان هرمزگانی و شناسایی ابعاد و لایه‌های دقیق‌تر مورد استفاده قرار گرفت، مصاحبه‌های انجام شده به صورت عمیق با پژوهشگران و محققان فرهنگی هرمزگان، کارشناسان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و زنان محلی مجرب انجام شد. برای انجام مصاحبه‌ها ابتدا فهرستی از آیتم‌هایی که طبق اهداف و سوالات پژوهش باید مورد توجه قرار می‌گرفت، مشخص شد و سپس در مصاحبه لحاظ گردید. البته باید اشاره کرد که در مصاحبه تا که بعضاً بیشتر آن‌ها عمیق بوده باز این آیتم‌ها جدی نبوده و بسته به فرایند گفت‌وگو و مسیر مصاحبه ممکن بود، به آن‌ها نیز اشاره شود. در مجموع با ۲۴ نفر صاحب نظر و فعال در حوزه پوشاک سنتی زنان هرمزگانی مصاحبه شد.

تکنیک آوانگاری

پس از انجام این مصاحبه‌ها، متن کامل گفتگو، آوانگاری و پیاده شد است. نحوه پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها که با زنان بندری صورت گرفته است به صورت پیاده‌سازی متمرکز بوده است. بدین ترتیب که در این آوانگاری تمام دیالوگ‌ها به همراه مکث‌ها و تأکیدهای قابل توجه مصاحبه‌شوندگان پیاده شد. دلیل استفاده از تکنیک آوانگاری این بوده است که در این مصاحبه‌ها، بسیاری از افراد دیدگاه‌ها و تفسیرها و معنای خود را در بعضی موارد به صورت مستقیم بیان نکرده‌اند و توجه نکردن به لحن و بیان غیرکلامی مصاحبه‌شونده ممکن بود به برداشت‌های نادرستی منجر شود.



تکنیک تماتیک^۱

تحلیل تماتیک، فرایند تحلیل داده‌های کیفی بر اساس شباهت‌ها، روابط و تمایزات داده‌ها می‌باشد.

هر کدام از این عناصر در تحلیل تماتیک عبارتند از؛

۱- بررسی شباهت‌ها: به بررسی شیوه‌هایی می‌پردازد که به توان مصادیق شبیه به هم را در ذیل یک عنوان قرار دارد.

۲- تمایزات: به بررسی تفاوت‌ها در درون مجموعه‌ای از داده‌ها و یافتن ارتباط بالقوه میان آنها می‌پردازد.

۳- روابط: به جستجوی مسیرهایی می‌پردازد که کدها و مقولات را به هم مرتبط می‌سازد و این که چگونه تمایزات و ویژگی‌ها می‌تواند به تم‌های کلی تر مرتبط شود (گیسون و براون، ۲۰۰۹: ۱۲۷- به نقل از رستگار، ۱۳۹۳).

تحلیل تماتیک از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی به ویژه مردم‌نگاری است که در سایر رهیافت‌های تحلیلی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحلیل تماتیک عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن پژوهشگر از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌آید. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی در داده‌هاست (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۶).

در تحلیل تماتیک معمولاً یک سری مراحل متعارف دنبال می‌شود، با این حال تفاوت‌های جزئی و البته گاه مهمی نیز در بین انواع این تحلیل وجود دارند، به طور مثال شیوه‌های اجرایی این تحلیل در پژوهشگرانی مانند دپوی و گیتلین، ولکات، استربرگ، میلز و هابرمن و شیوه لوفلند با یکدیگر متفاوت است. در این پژوهش از شیوه گیسپون و براون برای تحلیل تماتیک استفاده شده است.

نمونه‌گیری

برای انجام این پژوهش ابتدا فهرستی از انواع پوشاک سنتی زنان هرمزگانی تهیه شد و به استفاده از تکنیک مشاهده مستقیم، با توجه به پیش‌انگاشت‌ها و استدراکات قبلی پژوهشگران، مورد بررسی

^۱ Thematic Analysis



قرار گرفت. سپس با ۲۴ نفر از زنانی که دارای شناخت نسبت به موضوع بودند مصاحبه شد. این افراد شامل زنان مجرب در حوزه طراحی و دوخت لباس‌های زنانه محلی بودند. با توجه به اینکه از یک روش کیفی برای گردآوری و تحلیل اطلاعات استفاده شد، بالطبع انتخاب افراد برای مصاحبه نیز با شاخص‌های از پیش تعیین شده پژوهشگران صورت گرفت که نوع انتخاب افراد نمونه با این استدلال، شیوه نمونه‌گیری هدفمند یا قضاوتی بود. فهرست افراد مصاحبه شونده در جدول ذیل ارائه شده است:

ردیف	نام	سن	تحصیلات	مکان مصاحبه	شغل
۱	آذین	۲۷	لیسانس	منزل	خانه‌دار
۲	فاطمه	۳۳	فوق لیسانس	محل کار	کارمند
۳	صفورا	۲۹	لیسانس	منزل	حسابدار
۴	طاهره	۳۱	دیپلم	منزل	خیاط
۵	سمیرا	۲۳	لیسانس	منزل	عکاس
۶	هما	۳۵	فوق لیسانس	محل کار	دبیر
۷	مهدیه	۳۰	فوق لیسانس	منزل	خانه‌دار
۸	طاهره	۲۳	لیسانس	اداره صنایع دستی	خانه‌دار
۹	سوسن	۳۵	فوق لیسانس	محل کار	دبیر
۱۰	فاطمه	۱۷	دبیرستان	مدرسه	محصل
۱۱	آمنه	۱۶	دبیرستان	مدرسه	محصل
۱۲	فرزانه	۱۶	دبیرستان	مدرسه	محصل
۱۳	فاطمه	۱۶	دبیرستان	مدرسه	محصل
۱۴	شقایق	۱۶	دبیرستان	مدرسه	محصل
۱۵	شقایق	۱۶	دبیرستان	مدرسه	محصل
۱۶	نازنین	۱۶	دبیرستان	مدرسه	محصل
۱۷	فاطمه	۱۶	دبیرستان	مدرسه	محصل



۱۸	فاطمه	۱۶	دبیرستان	مدرسه	محصل
۱۹	زینب	۵۰	سیکل	بازار	فروشنده
۲۰	فاطمه	۴۸	بی سواد	بازار	فروشنده
۲۱	بتول	۳۹	دیپلم	منزل	خیاط
۲۲	صدیقه	۳۵	دیپلم	صنایع دستی	صنایع دستی
۲۳	محدثه	۳۲	دیپلم	بازار	فروشنده
۲۴	زهرا	۲۴	فوق دیپلم	منزل	خانه دار

شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات

داده‌های گردآوری شده پس از ثبت مشاهدات و انجام مصاحبه‌ها گروه‌بندی و طبقه‌بندی شدند. بدین ترتیب که بر حسب نوع مصاحبه‌ها و روایت‌ها گاهی سطر، جمله، پاراگراف و حتی واژگان نیز تحلیل شده و کدهای اولیه که کدهایی توصیفی هستند استخراج شده است برای نظم بیشتر و سازماندهی بهتر کدها، یک کد لاگ ساخته شد و در این کد لاگ همه‌ی کدهای اولیه اصلی و فرعی ثبت می‌شد، به عبارتی دیگر یک ایندکس از کلیه‌ی کدها فراهم گردید. در مرحله‌ی بعد و طی فرایند استقرای تحلیلی کدهای اولیه و فرعی با یکدیگر ادغام شده و فرایند انتزاع کدها آغاز شد. این فرایند انتزاع و به عبارتی تبدیل کدهای اولیه به کدهای اصلی و برتر با خوانش‌های مکرر مصاحبه‌ها و با مقایسه‌های مداوم میان کدها انجام می‌گیرد. کدهای اولیه در این پژوهش، کدهای تجربی هستند و به عبارتی محقق بدون پیش‌زمینه‌ی نظری به سراغ متون مصاحبه رفته و در حقیقت این کدها وابسته به متن و میدان مطالعه هستند و به تحقیق تحمیل نشده‌اند. در پایان مرحله‌ی اول کد گذاری و استخراج کدهای تجربی، حال نوبت به نوشتن یادداشت‌های تحلیلی است. برای تحلیل تماتیک داده‌ها از روش گیسون و براون در کتاب کار کردن با داده‌های کیفی استفاده شده است. در این روش، دو دسته کد در تحلیل تماتیک مطرح است:

۱- کدهای اولیه: کدهای توصیفی در پایین‌ترین سطح که تنها یک خصیصه را نمایندگی می‌کند.



مجموعه ای از کدها که می‌توانند در مسیری به هم مرتبط قرار گرفته و به هم متعلق هستند.
۲- کدهای برتر: یک کد با سطح انتزاع بالاتر که مجموعه‌ی روابط میان چند کد را توصیف می‌کند.

تحلیل داده‌ها در دو سطح انجام گرفته است. بدین ترتیب که در سطح اول تلاش شد تا همه‌ی انواع داده‌ها اعم از یادداشت‌های میدانی و متن‌های پیاده شده از مصاحبه‌های رسمی با استفاده از تحلیل تماتیک، تحلیل و بررسی شود. در سطح دوم، همه‌ی داده‌ها با هم و به طور کلی تحلیل شده‌اند. در این مرحله از تکنیک تماتیک فرهنگی استفاده شده است.

یافته‌ها

موضوع پژوهش مربوط به پوشاک سنتی زنان هرمزگانی است که این پوشاک در نقاط مختلف استان با اشکال و طرح‌های متنوعی دوخته و مورد استفاده قرار می‌گیرد. تنوع زیبا و قابل توجه این لباس‌ها در اقصی نقاط استان ترکیبی از کنار هم قرار گرفتن فرهنگ، اقلیم و هنر است. به دلیل مفصل بودن مشاهدات و تنوع گسترده لباس‌های سنتی زنان در استان هرمزگان امکان توضیح مبسوط ویژگی‌های آنها در این مقاله نیست، بنابراین در حد معرفی و بیان برخی ویژگی‌های لباس‌های مناطق مختلف استان هرمزگان بسنده می‌گردد:

شرق هرمزگان

نوع پوشش مردان و زنان شهرستان جاسک و توابع آن متأثر از قومیت اکثر آن‌ها یعنی بلوچ بودن و ارتباطشان با دیگر مناطق استان هرمزگان کاملاً متفاوت است. با توجه به نزدیکی این شهرستان به کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان و همچنین مجاورت آن با استان سیستان و بلوچستان گشادی و نوع تزیینات پوشاک زنان در نواحی مرکزی و منطقه غرب از نظر گشادی و نوع تزیینات، متأثر از پیراهن‌های عربی و پوشش زنان حاشیه نشین خلیج فارس ولی با استفاده از نوارهای سنتی خاص این منطقه است که در منطقه حوزه شرق و شهرهای لیردف این تأثیر کمتر شده و ما پیراهن‌های خاص سیستان و بلوچستان با اندکی تغییرات را مشاهده می‌کنیم که جزئی از



تن پوش مردم شده است. زنان منطقه جاسک دارای نوعی پوشش خاص بوده که به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: پیراهن بلوچی و پشک.

لباس زنان منطقه شرق جاسک از نظر سوزن‌دوزی بلوچی بسیار زیبا و متنوع بوده و تنها تفاوت این پیراهن با پیراهن زنان سیستان و بلوچستان در قد لباس و چین‌های کنار در حدود زیر سینه تا کمر است به نحوی که پیراهن زنان سیستان و بلوچستان کوتاه‌تر از روی زانو و به اندازه بدن دوخته می‌شود با چین‌های در کمر لباس در حالی که پشک حوزه شرق راسته و گشاد بوده و قد آن تا روی ساق پا می‌رسد. ولی برای دختران کم سن و سال گاهی این چین‌ها در نظر گرفته می‌شوند. سوزن‌دوزی آنچنان با زندگی زنان آمیخته است که هر دختر از سنین کودکی ضمن آموختن و انجام امور مربوط به خانه داری موظف به فراگرفتن سوزن‌دوزی نیز هست. تقریباً تمام زنان و دختران بلوچی در فاصله سنی بین ۴ تا ۴۰ سال قرار دارند با سوزن‌دوزی آشنایند و به آن اشتغال دارند چرا که دوخت هر دست لباس با توجه به نقش و طرح آن بیش از ۶ ماه تا یک سال به طول می‌انجامد. (باستانی، ۱۳۹۱: ۵۰).

شمال هرمزگان

حاجی آباد شهرستانی وسیعی در شمال استان هرمزگان است. گویش و زبان مردم، فارسی به لهجه‌ی شیرازی ست و لباس آن‌ها هم مانند مردم شیراز و عشایر نواحی جنوب فارس است. تن پوش زنان شهرستان حاجی آباد به همراه مناطق تابعه مثل باینوح، توشهر، سیزمند و طاشکویه شامل موارد زیر است:

پیراهن یا جومه، زیر جومه، چارقد، دستمال، لچک، مکنّا، لیس، چادر نماز، شلوار قشقای زجمه (زیرشلواری) و پاپوش‌ها.

تن پوش زنان (جومه) پیراهن یقه دار بوده و تنها ۲ تا ۳ دکمه در بالا دارد. بلندی آستین تا مچ و در بغل به اندازه ۲۰ سانتی متر چاک دارد. جنس پارچه ای که برای دوخت این پیراهن استفاده می‌شود چیت، بشور، و کرباس و در رنگ‌های سبز و قرمز و از پارچه‌های گلدار است. برای تزیین این پیراهن که عموماً در جلوی پیراهن است از پولک‌های نقره ای قدیمی استفاده می‌شود. زیر



جومه، به صورت دام بلند و چین دار بوده که در زیر پیراهن پوشیده و برای دوخت آن ۴ تا ۱۲ متر پارچه مورد نیاز است.

نواحی مرکزی هرمزگان

کندوره لباس سنتی بانوان و از پوشش های محلی خاص استان هرمزگان است که بیشتر در نواحی مرکزی و قسمتی از شمال غربی استان هرمزگان بالاخص بندرعباس، بندر خمیر، قشم، کنگ و لنگه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

با توجه به محدوده جغرافیایی این نوع پوشش که بیشتر در نواحی مرکزی متمرکز است بندرعباس را می‌توان خاستگاه اصلی این تن‌پوش دانست. با توجه به محدوده پراکندگی استان و شهرستان‌های هرمزگان کندوره را بیشتر در قشم و هرمز با اندکی تغییرات ساده تر و گشاد تر دوخت و تزئین می‌کنند. که این سادگی بعلت وجود و تاثیر پیراهن های عربی از کشورهای حاشیه نشین خلیج فارس و ارتباط نزدیک تر با ساحل نشینان است و از اهمیت تزئینات در این مناطق نسبت به نواحی مرکزی کاسته و ما با کندوره‌های ساده تری مواجه هستیم.

کندوره معروفترین پیراهن در بین زنان و دختران جوان استان هرمزگان است که به خاطر کمر باریک و قد کوتاه (روی زانو) از زیبایی خاص و ویژه برخوردار است.

پیراهن کندوره پیراهنی کمر باریک با قد حدود روی زانو و جلو بسته بدون یقه بوده و با چاکلی از جلو سینه تا ناف با دکمه‌های دست ساز و بندینک‌های پارچه ای بسته می‌شود. آستین‌های این پیراهن ساده و دور مچی‌های تنگ آن دو تکه برش می‌خورد که اغلب از دو رنگ متفاوت برای دوخت آستینها استفاده می‌شود در بعضی مواقع برش حلقه آستین حذف و آستین مستقیما به بالانه وصل و با دادن سنبوسه‌های مثلثی زیر بغل آستین‌ها گشادتر و در پوشش راحت تر می‌شود. پارچه‌های مورد استفاده برای دوخت این پیراهن با توجه به مورد مصرفی آن در مجالس، عروسی‌ها و یا برای کارخانه از پارچه ویل (وال) پارچه‌های نخی و پلی‌استر دوخته می‌شود و با توجه به گرمای هوای در این مناطق از پارچه‌های نخی و کتان که خنک می‌باشند بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. زندگی در کنار دریا و آفتاب سوزان و گرمای محیط در انتخاب



رنگها تاثیر بسزایی داشته به گونه ای که اغلب رنگ های مورد استفاده رنگ های گرم و شاد قرمز، بنفش، سبز پرنگ، سرخابی، صورتی، نارنجی، زرد و بصورت محدود آبی فیروزه ای بوده است. پیراهن کندوره با یقه گرد که در جلو بسته می شود دو برش عمودی از سرشانه تا خط سینه و پایین دامن دارد که از پهلو یقه تا درز وسط از پارچه رنگی متفاوت و لبه آستین نیز بصورت دو تکه از پارچه دیگر مورد استفاده قرار می گیرد. این پیراهن بر روی یقه تا زیر سینه و همچنین لبه آستین تا بالای مچ، درزهای بالا و پایین آستین تا و تکه های مثلثی زیر بغل (سنبوسه های زیر بغل) حاشیه پایین دامن و در مدل کندوره که در نواحی مرکزی بالاخص بندرعباس و حومه آن دوخته می شود از خط زیر سینه تا کمر بصورت پهن نوار دوزی و چین های ریزی جهت گشادی دامن دوخته می شد که این درزها بوسیله نوارهای دست باف یا گلابتون دوزی و زری دوزی و در پاره ای نقاط با خوس تزئین می شد. اغلب نوارهای و زری های تزئینی با دست توسط زنان بافته و یا از زری های طلایی وارداتی از کشورهای پاکستان و اعراب حوزه خلیج فارس است. کندوره با حاشیه نوار دوزی پهن دور کمر و اندامی بودن آن و انتخاب قد تا حد زانو با یک ردیف چین در بالای زانو به نوع مدل و دوخت آن تنوع داده که برای نمایان شدن زیبایی شلوارهای بندری که اغلب با دست تزئین می شود انتخاب می گردد. در بندرعباس و نواحی مرکزی این لباس تنگ تر و کوتاه تر دوخته شده و در شهرهای ساحلی مثل هرمز و قشم برش دور کمر حذف و کندوره گشادتر دوخته می شود. علاوه بر کندوره زنان از یک زیر پیراهن سفید فاقد آستین که از جنس پارچه های نازک و نخی و اغلب وال سفید دوخته می شود استفاده می کنند.

غرب هرمزگان

شهرستان بستک بخش وسیعی از غرب استان را در بر می گیرد، که با توجه به محصور شدن به بوسیله کوه ها از دریا فاصله گرفته و با استان فارس مرادوت نزدیک دارد و از آنجا که بستکیها نیز از اقوام اچم که پهنه گسترده ای از جنوب فارس، شهرهای و خنج و گراش و... را در برگرفته هستند از ویژگی های فرهنگی و پوششی قوم اچم برخوردارند. در رودوزی های سنتی زنان این



منطقه از کمه دوزی، خوس دوزی و گلابتون دوزی به ندرت در این منطقه استفاده می‌شود و بیشتر پولک و گلابتون با سوزن و نوارهای پارچه ای دست باف و نقره به کار می‌رود. چادر بستکی که در گویش بستکی به آن چیت می‌گویند در پوشش زنان بستکی جلوه ای خاص داشته که خوشبختانه هنوز هم به صورت یک سنت در بین بانوان طرفداران خاصی دارد. این چادر مثل چادر بندری برش خورده و دوخته می‌شود که در جلو پیشانی از بالای سر تا روی سینه از دو طرف با نخ گلابتون‌های طلایی و نقره ای با پولک و مرواریدهای زیبا تزئین می‌گردد. در گذشته از پارچه ابریشم نازک و حریر با تزئینات از جنس نخ‌های طلایی نقره ای استفاده می‌کردند که بعلت هزینه بالا رواج سابق را ندارد. از آنجایی که بستک در منطقه ای قرار گرفته که بدور از رطوبت و شرجی هواست نقره در این منطقه چه در تار و پود پارچه تن پوش زنان و چه در چادرهای قدیمی و گاه امروزی جایگاه ویژه ای دارد.

یافته‌های مصاحبه

پس از انجام مصاحبه با زنان مجرب و مطلع بومی و پیاده‌سازی، مصاحبه‌ها کدگذاری شدند و حاصل کدگذاری انجام شده در سطح تحلیل تماتیک مد نظر گیسون و براون، موارد جدول ذیل است که منطبق با پرسش‌های پژوهش می‌باشد. همچنین مشاهدات پژوهشگران نیز به آن افزوده شد که ماحصل آن در جدول زر مشخص شده است:

تم اصلی	مقوله‌ها	مصادیق
بازگشت به هویت بومی با پوشش هرمزگانی	حفظ سنت	حتماً لباس بندری می‌پوشم {توی} عروسی و محله برای حفظ سنت و نگهداری آن
	اصالت و فرهنگ بندری	شهرستان بروم لباس بندری می‌پوشم نشانه شهر و اصالت من
	تغییر در یک دهه گذشته	در دهه گذشته در طرح لباس بندری تغییر به وجود آمده
	بازگشت به طرح‌های	مدل‌های قدیمی مد شده چون طرح قدیمی



ساده‌تر	قدیمی	
لباس بندری در چند سال اخیر تغییر کرده به‌روز می‌شود	به روز شدن طرح‌ها	
نسل جدید تمایل کمتری به پوشش سنتی دارد	تفاوت نسل قدیم و نسل جدید	
در دهه گذشته تغییر به وجود آمده متناسب با نیاز خانم‌هاست	به روز شدن	
فقط بازار نمی‌پوشم چون نگه‌داستان سخت و راحت نیستم	راحت نبودن لباس	موانع و محدودیت‌های پوشش هرمزگانی
خارج از بندر کم می‌پوشم، چون پوشیدنش سخت است	دست و پاگیر بودن	
مکان عمومی راحت نیستم سخت و جلب توجه می‌کنه	جلب توجه	
اندامی و براق هستم جلب توجه می‌شود	اندامی و براق	
راحت نبودن علل نپوشیدن لباس سنتی	راحت نبودن	
لباس بندری اهمیت دارد چون هزینه زیاد، زمان بر و گران قیمت است	گران قیمت و زمان بر بودن	
خانواده تأثیر زیادی بر پوشش سنتی دارد	تأثیر خانواده بر پوشش	
جایی که همه بندری هستند می‌پوشم	هم‌رنگی با جماعت	
پوشیدن رنگ روشن برای کارمند نوعی بی‌حجابی قلمداد می‌شود	رنگ تند و روشن مساوی با بدحجابی	
دور از عرف و نگاه مردم نمی‌پوشم که جلب توجه به شود	مطابق عرف جامعه بودن	



مقبولت جامعه	چیزی می‌پوشم که عرف بپذیرد	کارکردهای اجتماعی پوشش هرزگانی
نگرش دیگران	به خاطر توجیه و نگاه دیگران با عرف جامعه می‌پوشم	
پوشش در اماکن عمومی	لباس بندری در مکان عمومی نمی‌پوشم چون هر چیزی جایی دارد	
نامتعارف بودن رنگ لباس	لباس بندری از نظر رنگ متناسب باشد	
مختص مجالس شادی بودن	هرجایی لباس بندری نمی‌پوشم عروسی می‌پسندم	
پوشش در اماکن رسمی	در اداره جات نمی‌پوشم هر لباسی مکان خودش را دارد	
رنگ شاد	لباس بندری رنگ و تنوع زیادی دارد	زیبایی و جذابیت پوشش هرزگانی
زیبا، خاص و جذاب بودن	لباس بندری مدل‌های زیبا و جذابی دارد	
زیبا و به روز بودن	لباس بندری مدل‌های زیبا دارد و به روز است	
زیبا و اصیل بودن	لباس بندری زیبا و نشان‌دهنده اصالت بندری است	
لباس بران نشان‌دهنده ارزش دختر	تأکید برگزاری مراسم لباس بران، ارزش دختر کم می‌شود	کارکردهای آیینی پوشش هرزگانی
اهمیت زیاد آیین لباس بران	از دیگر آیینها کاسته شود ولی مراسم لباس بران حتماً باشد	
سنبل و مشخصه عروسی	س بران مشخص می‌شود در این خانه عروسی است	



لباس بران ابهت و احترام به عروس و خانواده‌اش	ابهت خاصی به عروسی و خانواده به وجود می‌آید
نشان‌دهنده هزینه‌های زن بندری به داماد	با آیین لباس بران داماد متوجه می‌شود در طول زندگی دختر بندری چه چیزهایی لازم دارد
نشان‌دهنده فرهنگ هرمزگان	لباس بران نشان‌دهنده فرهنگ و طرز تفکر افراد
نماد عروسی	اصل عروسی بندری این روز است
احترام به عروس	ارزش و احترام عروسی با این روز
اصالت فرد، خانواده و شهر	لباس بران نشانه اصالت فرد، خانواده و شهر است
خوب، لذت‌بخش و زیبا	لباس بران سنت خوب، لذت‌بخش و رسم زیبا

تحلیل یافته‌ها

آن گونه که از اظهارات مصاحبه‌شوندگان برمی‌آید، لباس بومی بندری، لباسی است که در حال حاضر موقعیتمند شده است یعنی به عنوان یک پوشش عمومی دیگر چندان پذیرفته نیست بلکه بیشتر در مراسم‌ها، مکان‌های خاص مثل عروسی جشن‌ها استفاده می‌شود. در دهه‌های گذشته پوشش سنتی یک مدل تعریف شده و مشخص بوده است، در همه مکانها از همان مدل‌ها استفاده می‌شده است، طرح و رنگ قالب لباس‌ها یکی بوده فقط در مکان‌های شادی و عزاداری رنگ آن‌ها تغییر پیدا می‌کرد ولی در حال حاضر آن معنای عمومیت‌یافته گذشته نیست. پوشش سنتی هرمزگان مختص به زمان و مکان خاص شده است.

الگوی پوشش امری اجتماعی است و افراد به میانگین جامعه توجه می‌کنند و سعی دارند آن را رعایت کنند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بر این مهم تأکید داشتند که در زمینه پوشش خود به میانگین عرف جامعه توجه می‌کنند و در خیلی از مکان‌ها چون عرف جامعه، لباس سنتی را نمی‌پسندند، آن‌ها هم استفاده نمی‌کنند.



زنان که خالق این آثار یا همان تولیدکنندگان لباس سنتی هستند سعی کرده‌اند تا به‌روز کردن لباس‌ها بر جذابیت آن بیفزایند و زنان راحت‌تر از آن‌ها استفاده کنند و در حین استفاده از لباس سنتی همراه با جامعه پیش روند. همان‌گونه که تنوع پوشاک مناطق گوناگون به‌منزله علامت و نشانه خاص برای معرفی اقوام مختلف است جنس، رنگ و شکل لباس و زیورآلات ضمایم آن‌ها هم به پوشند لباس، منزلت اجتماعی ویژه‌ای می‌بخشد. لباس سنتی هرمزگان دارای تزیینات بسیار و بسیار چشم‌گیر است و در گذشته به جز جنبه‌های تزیینی و زیبایی، دلایل اقتصادی و مالی نیز برای آن متصور بود و در حکم پس‌انداز خانواده نقش شناخته می‌شد؛ مانند طلاهایی که به برقع‌ها و لچک‌ها آویزان می‌کردند که در عین زیبایی و جلوه دادن، پس‌اندازی بود برای خانواده‌ها تا در زمان نیاز از آن‌ها استفاده کنند. در پوشاک زنان هرمزگان به‌خصوص در قشر نسبتاً مرفه به ظرافت‌ها، زیبایی‌ها، رنگ و تزیینات توجه زیادی می‌شود و در مجموع پوشاک سنتی وقار خاصی به زنان می‌بخشد.

بیشتر مصاحبه‌شوندگان بر این موضوع تأکید دارند که لباس سنتی دارای رنگ‌های تند و روشن است که عرف جامعه آن را نمی‌پسندد. جامعه‌ای که دیگر جامعه واحد و تک فرهنگی گذشته نیست. جامعه‌ای است که تلفیق شده است از فرهنگ‌ها و نگاه‌های مختلف زنان مخصوصاً نسل جدید سعی زیادی دارند که همپای عرف جدید جامعه پیش بروند و به‌روز باشند. بسیاری از زنان که شاغل هستند هم معتقد بودند که شاغل شدن آن تا تأثیر زیادی در پوشش آن‌ها نهاده و دیگر نمی‌توانند به راحتی هر نوع پوششی را انتخاب کنند.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در نظریه کارکردگرایی اشاره شد، پدیده‌های اجتماعی می‌تواند دارای کارکردهای مختلفی باشند. پوشاک سنتی زنان هرمزگانی هم دارای کارکردهای مختلفی است؛ شاید در نگاه اول یک مراسم سنتی است که از روی عادت و تکرار و از منظر زیبایی‌شناختی برگزار می‌شود، اما در بطن آن کارکردهای پنهانی مانند نمایش قدرت، تمکین مالی، بیان جاه و موقعیت اجتماعی دارد. صرف نظر از جنبه‌های زیبایی‌شناختی پوشش سنتی زنان هرمزگانی، وقتی به لایه‌های پنهانی که ورای نمادها و نقش و نگارهای طرح این لباس‌هاست توجه می‌کنیم، می‌بینیم که چه



کارکردهای متنوع و جذابی دارد. همان طور که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند، پوشش سنتی زنان بیشتر در مراسم عروسی نمایان است که نوعی احترام به خانواده عروس را نشان می‌دهد و باعث شادی افزایی و منزلت عروس و خانواده‌اش می‌گردد. جایگاه ویژه‌ی که زنان با پوشش سنتی خود پیدا می‌کنند بی‌شک در هیچ فرهنگی دیده نشده است و این نشان از اهمیت و جایگاه ویژه زنان و دختران هرمزگانی است.

شاید در نگاه اول بگوییم که از روی پوشش سنتی نمی‌توان طبقه اجتماعی افراد را مشخص کرد، اما اگر خوب و با دقت به آن‌ها توجه کنیم می‌بینیم که سطح طبقاتی افراد در پوشش بسیار تأثیرگذار است. در فرم و کلیت لباس‌ها در تمام طبقات به یک شکل است و تفاوتی باهم ندارد و از یک مدل و الگوی اصلی استفاده می‌شود، در تمام طبقات اجتماعی از شلوارهای متعدد و لوو، به ادله، نیم به ادله، موسی، گلابتونی و... استفاده می‌شود. اما آن چیزی که تمایزی بین پوشش افراد قائل می‌شود در جزئیات آن است. در طبقات اجتماعی بالاتر افراد از جنس پارچه‌های بهتر، نوارهای مرغوب‌تر استفاده می‌کنند. اما افرادی که توانایی مالی کم‌تری دارند که پارچه‌های معمولی نوارهای ارزان و باکیفیت کم‌تر و شلوارهایی که نوارهای کم‌تری نیاز دارد استفاده می‌کنند.

یکی دیگر از دلایل عدم پوشش لباس سنتی بندرعباس به خصوص در مکان‌هایی عمومی دلایل درونی و یا همان مربوط به خود لباس هست، لباس بندری بارنگ‌های شاد و رنگارنگ و طرح‌های متنوع و چشم‌نواز، یا بهتر بگوییم رنگ‌های تند و فرم لباس‌ها و شلوارها به نحوی است که کاملاً ساینز بدن هست و برای پوشیدن مدت زمان طولانی مناسب نیست و بعضی از افراد احساس راحتی به آن ندارند. چشم هر بیننده و رهگذری را به خود جلب می‌کند. همچنین لباس بندری از نظر قیمت گران‌قیمت است به خصوص شلوارها که برای آماده‌سازی آن مراحل متعددی را سپری می‌کند و همه این مراحل توسط خودزنان به صورت دستی بافته و دوخته می‌شود هزینه زیادی را در بردارد باعث می‌شود که بیشتر در مکان‌های خاص از آن استفاده شود.

منابع و مآخذ

- الهی، محبوبه، (۱۳۸۹)، لباس به‌مثابه هویت، فصلنامه مطالعات ملی، ۴۲، سال یازدهم، شماره ۲.



- ایمان، محمدتقی، (۱۳۸۸)، مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی، تهران: نشر حوزه و دانشگاه.
- استراوس، انسلم، (۱۳۹۴)، مبانی پژوهش کیفی، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- باستانی، فاطمه، (۱۳۹۱)، بادله پوشان. تهران: گهرتاب.
- پور بهمن، فریدون، (۱۳۹۰)، پوشاک در ایران باستان، مترجم: هاجر ضیاء سیگارودی، تهران: امیرکبیر (چاپ دوم).
- پانوف، میشل، (۱۳۸۲)، فرهنگ مردم‌شناسی. ترجمه اصغر عسکری خانقاه. نشر سمت.
- خطیبی زاده، محمد، (۱۳۸۹)، پوشش مردم هرمزگان. شیراز: اسلاف.
- جلیلیان، شهرام و سید علی فاطمی، (۱۳۹۰)، پوشش زنان در ایران باستان؛ (مطالعه موردی دوره هخامنشیان)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال چهارم، شماره ۳، پاییز، صص ۲۲-۱.
- درخشی، صدیقه، (۱۳۹۵)، تلی بافی هرمزگان. قم: نشر دارالتفسیر.
- دریایی، احمد نور، (۱۳۸۴). مراسم آیینی و فرهنگ مردم بندر کنگ. تهران: احسان.
- دژگانی، فاطمه (ایران)، (۱۳۸۴)، قشم، نگینی بر خلیج فارس. تهران: سیروان.
- رحیمی، پری‌چهر، (۱۳۸۵)، تاریخ پوشاک ایرانیان (نگرشی بر پوشاک ایرانیان از هزاره پنجم میلاد تا اواخر دوره هخامنشیان) تهران: دانشگاه هنر.
- رستگار، یاسر، (۱۳۹۳)، مردم‌نگاری مصرف در آیین ازدواج شهر اصفهان، رساله دکتری، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اجتماعی.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۳)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صفا ایسینی، شایا، (۱۳۸۹)، پوشاک زنان هرمزگان. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- غیبی، مهر آسا، (۱۳۸۷)، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران: هیرمند.
- فروزنده محفوظ، صدیقه، (۱۳۸۶)، پوشاک سنتی زنان و مردان ایران، فرهنگ مردم. ۲۱ و ۲۲.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری، نشر نی. هیجدهم.
- میرحسینی، احسان، (۱۳۹۴)، برقع، هنر اقلیم و هویت بومی، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- یار شاطر، احسان، (۱۳۸۲)، پوشاک در ایران زمین، ترجمه پیمان متین، تهران: نشر امیرکبیر.
- محمدپور، احمد، (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی؛ ضد روش، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.